

طرح بر خورد با «نیستن گمر بند ایمنی» و «استفاده از تلفن همراه» عملیاتی شد

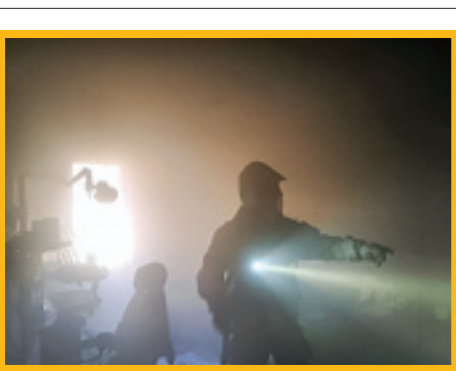
معاون آموزش و فرهنگ ترافیک پلیس راهور تهران بزرگ از اجرای طرح ویژه برخورد با نیستن گمر بند ایمنی و استفاده از تلفن همراه حین رانندگی خبر داد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ احسان مؤمنی با بیان اینکه در صد قابل توجهی از تصادفات جرحی و خسارتی به دلیل عدم توجه به جلورخ می دهد، گفت: در این میان استفاده از تلفن همراه یکی از اصلی ترین دلایل بی توجهی رانندگان به جلوسنت، گاهی نیز استفاده از تلفن همراه سبب می شود راننده گرچه مقابل خود را می بیند، اما امکان اتخاذ تصمیمی مناسب حین رانندگی را نداشته باشد.

وی ادامه داد: از طرف دیگر یکی از مواردی که شدت آسیب‌های ناشی از تصادفات به راننده و سرنشینان را افزایش می دهد، استفاده نکردن از کمربند ایمنی است، به‌طوری‌که گاهی ممکن است در پی یک ترمز ناگهانی، سرنشین یا راننده به قسمتی از کابین داخلی خودرو بر خورد کنند و آسیب ببینند.

مؤمنی با اشاره به اهمیت استفاده از کمربند ایمنی و توجه کامل به مسیر مقابل گفت: در همین راستا طرح ویژه برخورد با نیستن کمربند ایمنی و استفاده از تلفن همراه حین رانندگی در پایتخت کلید خورد و همکاران من در سراسر شهر با آن دسته از رانندگانی که حین رانندگی مشغول کار یا صحبت با تلفن همراه باشند، برخورد قانونی خواهند کرد.

معاون آموزش و فرهنگ ترافیک پلیس راهور تهران بزرگ اضافه کرد: همچنین با توجه به اینکه برابر قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی، استفاده از کمربند ایمنی برای راننده و سرنشینان یک خودرو الزامی است، از این و مأموران پلیس با نیستن کمربند ایمنی نیز طبق قانون برخورد خواهند کرد.



مهار آتش سوزی در مرکز درمانی

آتش سوزی در کلینیک درمانی در چهارراه ولیعصر (عج) با تلاش آتش نشانان سسه ایستگاه مهار و خاموش شد.

ساعت ۹:۲۰ صبح روز گذشته آتش نشانان سه ایستگاه از حادثه آتش سوزی در یک مرکز درمانی در خیابان ولیعصر (عج)، کوچه نیکویی باخبر و در محل حاضر شدند. محمود شکیبافر، رئیس ایستگاه یک منطقهٔ آتش‌نشانی تهران که در محل حضور داشت، گفت: حادثه آتش‌سوزی در طبقه چهارم کلینیک درمانی اتفاق افتاده بود که آتش‌نشانان همزمان با اِیمن کردن محل، خود را به کانون آتش رساندند و موفق شدند در کمترین زمان آتش را مهار و خاموش کنند. وی گفت: در این حادثه به کسی آسیبی وارد نشد و علت آتش‌سوزی در دست بررسی است.



اعتراف به قتل زن گمشده

رئیس پلیس آگاهی استان خوزستان از قتل زن جوان به‌دست دو عضو خانواده‌اش خبر داد.

سرهنگ سیروس دریکوند گفت: یک ماه قبل که اعضای یک خانواده گم شدن زن جوان را به پلیس خبر دادند. وی ادامه داد: شکیان به پلیس گفتند که زن جوان برای انجام کاری از خانه بیرون رفته و دیگر بازنگشته‌است.

سرهنگ در یکوند گفت: مأموران پلیس بعد از آن در این باره تحقیق کردند تا اینکه احتمال دارند اعضای خانواده از گم شدن زن جوان باخبر هستند. وی افزود: با کامل شدن بررسی ها، دو عضو خانواده به عنوان مظنون بازداشت شدند و مورد بازجویی قرار گرفتند.

در یکوند گفت: دو متهم اعتراف کردند یک ماه قبل به خاطر اختلافی که داشتند، زن جوان را در خانه‌ای در یکی از محله‌های شهر به قتل رسانده و جسدش را در همان خانه دفن کرده‌اند. آنها همچنین گفتند که بعد از گذشت چند روز جسد را به محل دیگری برده و دفن کرده‌اند. رئیس پلیس آگاهی خوزستان گفت: بعد از اعتراف متهمان، مأموران پلیس راهی محل شدند و جسد را کشف و به پزشکی قانونی منتقل کردند. تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.



پلیس سارق را از خواب بیدار کرد

■ **آرمین بینا**

سارق سابقه‌دار وقت‌ی دید صاحب‌خانه نیست برای دقایقی روی تخت دراز کشید، اما خوابش برد و وقتی چشمانش را باز کرد دید دست و پایش با طناب به تخت بسته شده و مأموران پلیس هم بالای سر او هستند.

چندی قبل مرد جوان وقتی وارد خانه‌اش در یکی از خیابان‌های شمالی تهران شد با صحنه عجیب روبرو شد. وی همراه همسرش چند روزی به مسافرت رفته بود و وقتی نیمه‌های شب وارد خانه‌اش شد از اتاق خواب صدای خروپف به گوشش می رسید که حکایت از آن داشت فردی در اتاق خوابشان خوابیده است. صاحب‌خانه به آرامی به اتاق رفت و در کمال ناباوری مردی را دید که روی تخت‌خواب خوابیده و کولم‌ای هم کنارش گذاشته بود.او همان لحظه فهیمد مردی که روی تخت خوابیده، سارقی است که به دلایلی هنگام سرقت خوابش گرفته و بدین ترتیب بدون اینکه از بیدارش کند دست و پای او را با طناب بست و تلفنی از مأموران پلیس در خواست کمک کرد.

■ **سارق سابقه‌دار**

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران پلیس راهی محل شدند و در اتاق خواب آپارتمانی مسکونی با مرد جوانی روبرو و شدند که دست و پایش با طناب به تخت بسته شده بود.

بررسی‌های مأموران نشان داد مرد بازداشت شده سارق سابقه‌داری است که حین سرقت در این خانه خوابش برده و به همین دلیل هم در دام صاحب‌خانه گرفتار شده است.

صاحب‌خانه در توضیح ماجرا گفت: «من و همسر یک هفته برای تفریح به ویلایمان در شمال کشور رفتیم تا اینکه لحظاتی قبل به خانه برگشتیم. وقتی در راه باز و چراغ‌ها را روشن کردیم، متوجه به‌هم‌ریختگی مقداری از وسایل خانه شدیم و بعد هم صدای خروپفی از اتاق خوابمان به گوشم رسید. از طرفی هم متوجه شدم در بالکن باز شده که همان لحظه فهیمد سارقی به خانه دستبرد

■ **گفت‌وگو با متهم**

ایرج چند بار دستگیر شدی و به زندان افتادی؟

من قبل از این یک‌بار به اتهام سرقت منزل دستگیر شدم و پنج سال هم زندانی بودم. البته در دوران جوانی برای خودم کسب و کار خوبی داشتم و فکر نمی کردم روزی سارق شوم، اما یک تصادف باعث شد وارد جرح هر خلافکاران و سارق حرفه‌ای شوم.

چه تصادفی؟

من شهرستان زندگی می کردم و کار خوبی هم داشتم تا اینکه یک روز با موتور سیکلمت برای کار از شهر بیرون رفتم و در جاده با خودروی شاسی بلند گرافتمتی تصادف کردم. من روی زمین افتادم و راننده هم از خودرو پیاده شد و وقتی مرا خوین دید فکر کرد فوت کردم و از ترس فرار کرد. با همان حال هر چند صدایش زدم که مرا به

حواشی

سرورس حوادث، ۸۸۵۳۳۰۶۰

پلیس سارق را از خواب بیدار کرد



زده‌است، اما هرگز گمان نمی کردم سارق در اتاق خوابمان خوابیده باشد. پاورچین پاورچین به اتاق خواب رفتم و دیدم مرد جوانی در حالی که کولم‌ای کنارش گذاشته روی تخت خوابیده است. خیلی ترسیده بودم؛ اول تصمیم گرفتم با داد و فریاد از همسایه‌ها درخواست کمک کنم، اما دیدم سارق خواب سنگینی دارد و اصلاً متوجه حضور ما نشده‌است، به همین دلیل به آرامی دست و پایش را با طناب بستم و بعد هم با پلیس تماس گرفتم.»

■ **اعتراف**

مأموران پس از انتقال متهم به اداره پلیس در بررسی سوابق او دریافتند متهم، سارق سابقه‌داری به نام ایرج است که مدتی قبل از زندان آزاد شده و دوباره دست به سرقت‌های سریالی زده است. همچنین مشخص شد ایرج، سر دسسته باند سارقان منزلی است که از مدتی قبل از خانه‌های شمال تهران دست به سرقت‌های سریالی می‌زند.

متهم در بازجویی‌ها به جرم خود اعتراف کرد و در توضیح ماجرای خوابش در محل سرقت گفت: «من و دو نفر از دوستانم باند سرقت منزل تشکیل داده بودیم و از منازل شمال تهران سرقت می کردیم. آن شب ابتدا من وارد خانه شدم و قرار بود دوستانم ساعتی بعد وارد خانه شوند و گاوصندوق را باز و اموال آن را سرقت کنیم، اما داخل خانه خوابم گرفت و گرفتار شدم.»

متهم در ادامه برای تحقیقات بیشتر به دستور باز پرس دادسرا در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران در تلاشند دو همدست متهم را بازداشت کنند.

■ **کابوس**

متهم مدعی است به‌خاطر یک تصادف و انتقام از راننده متخلف وارد جرحه خلاقکاران شده است. او می‌گوید: شبی که بازداشت شدم، ابتدا فکر می کردم در خوابم و کابوس می بینم، به همین خاطر چند باری چشمانم را باز و بسته کردم و حتی با صدای بلند فریاد زدم، اما دیدم بیدارم و چند مأمور هم بالای سرم ایستاده‌اند.

بیمارستان منتقل کند، صدایم را نشنیدید و از

محل دور شد، به هر حال راننده‌ای عبوری مرا دید و به بیمارستان منتقل کرد و خانواده‌ام برای نجات جانم هزینه زیادی کردند. پس از چند ماه مرخص شدم، اما کارم را از دست دادم و سپس برای پیدا کار راهی تهران شدم. در تهران راننده خودروی شاسی بلند را شناسایی کردم و تصمیم گرفتم از خانه‌اش سرقت کنم و از آن روز به بعد بود که سارق شدم.

چطور راننده خودرو را شناسایی کردی؟

من در بازار در یک حجره کار می کردم و مدتی با کردم ابتدا فکر می‌کردم کابوس می‌بینم و حتی چند باری چشمانم را باز و بسته کردم و داد هم زدم، اما دیدم مأموران پلیس بالای سرم هستند و دست و پایم به تخت بسته شده است و کابوس نمی‌بینم. واقعیت چند شبانه‌روزی خوب نخواهی‌د بود، چون هر شب مرهه دوستانم به سرقت می‌رفتیم. البته چیز در دست حسابی هم

ضاربان نشدیم و فقط توانستیم ارسلان را به

بیمارستان منتقل کنیم.»

■ **شناسایی قاتلان**

کارآگاهان پلیس در ادامه برای بررسی حادثه، فیلم دوربین‌های مدار بسته را بازبینی کردند که مشخص شد دو پسر جوان، نقاب مشکی به صورت داشتند و پس از حادثه هم به سرعت فرار کردند. مأموران در بررسی‌های بعد دریافتند ضاربان افراد آشنایی هستند و با برنامه‌ریزی حساب شده از ساعتی قبل مقول را تحت نظر داشتند تا در فرصت مناسب او را با چاقو هدف قرار دهند. با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران تصاویر به دست آمده از قاتلان را به خانواده مقول نشان دادند و آنها هم با دیدن فیلم صحنه قتل، متهمان به نام‌های ستار و فرزین را شناسایی کردند.

یکی از اعضای خانواده مقول به مأموران گفت:

«رسلان، ستار و فرزین را می‌شناخت و با آنها ارتباط داشت تا اینکه متوجه شدیم مدتی قبل با هم اختلاف پیدا کرده‌اند. ستار و فرزین چند باری برای پرسر خط و نشان کشیده و او را تهدید به مرگ کردند. ما هم می‌دانستیم که او را پارکی ارسلان را تا سر حد مرگ کتک زده و بعد هم فرار کرده بودند. الان که تصاویر ضاربان را دیدم، مطمئن هستم عاملان قتل پسرم، ستار و فرزین هستند و از آنها به اتهام قتل ارسلان شکایت دارم.»

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش‌های لازم، مأموران دو متهم را به عنوان مظنون در قتل پسر جوان تحت تعقیب قرار دادند. تحقیقات درباره این حادثه تا روشن شدن رزوای پنهان آن ادامه دارد.

گرمیان نمایده بود. آن شب خانه مورد نظر را شناسایی کردم و من قبل از همدستانم وارد آنجا شدم و تلفنی به همدستانم خبر دادم برای سرقت به اینجا بیایند. قرار بود اگر نتوانستیم در گاوصندوق راباز کنیم، گاوصندوق را با خودمان ببریم. خیلی خسته بودم و چشمانم به زور باز می‌شد و از طرفی هم خیمم بود که صاحب‌خانه مسافرت است، به همین خاطر تصمیم گرفتیم در آنجا چرتی بزنم تا دوستانم وارد خانه شوند. روی تخت دراز کشیدم و دیگر هیچ چیز نفهمیدم، مثل اینکه آمیول بپوشی به من زده بودند تا اینکه مأموران مرا از خواب بیدار کردند.

الان چه حسی داری؟

پشیمانم و الان فهیمدم. بار کج به منزل نمی‌رسد. من از زمانی که وارد باند سرقت شدم یک روز خوب ندیدم و هر روز نگران بودم که در دام مأموران گرفتار شوم.

درگیری ۲ تبعه غیر ایرانی منجر به قتل شد

درگیری دو مرد افغان در یکی از محله‌های شرقی تهران با قتل یکی از آنها پایان یافت.

ظهر روز گذشته مأموران کلانتری ۱۲۷ نارمک از درگیری خونین در مغازه مصالح‌فروشی در محله نارمک باخبر و در محل حاضر شدند. با حضور پلیس در محل معلوم شد مردی ۳۵ ساله که تبعه افغانستان است با چاقو هدف قرار گرفته و جان باخته است. بعد از تأیید حادثه، قاضی محمدحسین زارعی، باز پرس ویژه قتل شعبه دوم دادسرای امور جنایی همراه تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی در محل حاضر شد. یکی از شاهدان گفت: مقول با یکی از دوستانش که او هم اهل افغانستان است، اختلاف مالی داشتند. من آنها را به اینجا دعوت کردم که درباره اختلافشان حرف بزنند و مشکل را حل کنند که با هم درگیر شدند و حادثه خونین اتفاق افتاد. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات مأموران پلیس آگاهی برای بازداشت متهم فراری در جریان است.

■ **مفقودی**

برگ کمپانی و برگ سبزی و کارت موتور سیکلت پرواز ۱۲۵CC مدل ۱۳۸۶ رنگ مشکی شماره پلاک (ایران ۲۳۲ – ۹۷۷۵۶) به شماره موتور ۱۷۶۹۳۵ و شماره شاسی ۸۶۳۳۷۴۳۵ متعلق به جلال گلالی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

البرز

■ **مفقودی**

برگه کمپانی و برگه سبز خودرو سواری پژو TU۵-۲۰۶SD به رنگ مشکی مدل ۱۳۹۲ به شماره موتور ۰۳۸۳۰۴B۰۱۶ و شماره شاسی ۰۳۴۶۷۵DJ۶FD۵NAAP شماره پلاک ۵۵۸۲ ق ۱۵۹ ایران ۲۰ بنام خانم مریم اصغری نژاد مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

الف ل

■ **مفقودی**

کلیه مدارک شامل برگ سبزی ، برگ کمپانی ، فاکتور فروش و کارت شناسایی خودرو پژو ۴۰۵ تیپ GLXI مدل ۱۳۸۹ به شماره پلاک (ایران ۶۰۸ – ۵۸۴۴A) به شماره موتور ۰۶۳۳۵NAAM۱CA۰۱۴K۱۳۲۱۶ و شماره شاسی ۰۶۳۳۵NAAM۱CA۰۱۴K۱۳۲۱۶ متعلق به حسین عربی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

الف ل

یکشنبه ۹ مهر ۱۴۰۲ | ۱۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۵

■ **اداره کل**

حسین فصیحی

نیاسامانی ساماندهی اتباع غیر مجاز

کشور ما چندین دهه است که با پدیده ورود مهاجران غیرقانونی کشور افغانستان درگیر است و با گذشت مدت‌زمان طولانی سازوکار‌های به کار گرفته شده برای سامان بخشیدن به این معضل راه به جایی نبرده است. عدم ثبت در کشور افغانستان سبب شده آسیب‌های آن به کشور ماسازا بر شود و به دنبال آن معضلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه ما را با خود درگیر کند. مداخلات مستمر دولت‌های غرب در امور داخلی این کشور، عدم شکل‌گیری دولت یا حکومت پایبانی را منجر شده است، از همین‌رو با گسترش ناامنی‌ها عمده مردم این کشور راه‌ای جز مهاجرت از کشور نداشته و ندارد. مقصد آنهایی که صاحب تخصص و بضاعت مالی بودند، عمدتاً کشورهای اروپایی بوده و آنهایی هم که از بضاعت مالی برخوردار نبودند راهی کشور ما شدند و دول غرب نیز که آتش‌بیار معرکه موجود قلمداد می‌شوند به دلیل نداشتن مرز مشترک با افغانستان تلاش کردند جامعه خود را از آسیب‌هایی که مهاجران به دنبال خود ایجاد می‌کنند، مصون دارند.

این روزها چالش‌های بسیاری در بنده اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی درباره شهر ما وجود دارد. مهاجران افغانستان ایجاد شده است. همزمان با تسلط طالبان بر افغانستان، هجوم گسترده مهاجران افغان به سمت مرزهای ایران شدت گرفته و این اتباع بدون اینکه در اردوگاه‌ها اسکان داده شوند در شهرها و روستای کشور ساکن شده‌اند، به‌طوری‌که از همان زمان اقلیم بسیاری از شهرها روستاها به یکباره تغییر پیدا کرد و به صورت محله یا روستایی در افغانستان درآمد. همین رویداد نگرانی‌های بسیاری را در بنده اجتماعی ایجاد کرد و چرایی این ناسامانی را مورد پرسش قرار داد.

فردی که به صورت غیرمجاز در کشور مان زندگی می کند، شخصی بدون هویت محسوب می‌شود و زمانی هم که مر تکب جرم شود، امکان ردیابی و بازداشت او وجود ندارد. حادثه تروریستی در بارگاه امام رضاع) نمونه بارزی از پناه دادن به اتباع غیرمجاز است. متهم که از اتباع غیرمجاز افغانستان بود، همراه برادر و دوستانش در یکی از محله‌های مشهد کار و زندگی می کرد و در فرصتی که به دست آورد حادثه‌های را رقم زد که جامعه را تکوان کرد.

مادر صفحه حادثه، گزارش و اخبار بسیاری را منتشر می کنیم که مر تکبان آن اتباعی هستند که به صورت غیرقانونی وارد کشور و بروز جرائم بسیاری را منجر شده‌اند. تشکیل باندهای آدم‌بازی سازماندهی شده از سوی اتباع غیرمجاز که وظیفه آنها گروگان گرفتن هموطنانشان برای اخاذی از خانواده‌هایشان است، از جمله اتفاق‌هایی است که همزمان با ساکن شدن اتباع غیرمجاز در کشور شدت گرفته که آمار آن در پلیس آگاهی کشور موجود است. تشکیل باندهای سرقت و قاچاق اموال سرقت شده به کشور افغانستان، تعرض به کودکان قتل و بروز جرائم دیگر از سوی اتباع افغانی است که ملام در حال بروز است.

تردید وجود ندارد ما با کشور افغانستان دارای اشتراک مذهبی، تاریخی و فرهنگی هستیم و ملت این کشور در دهه‌های گذشته تحت دخالت‌های دولت‌های غربی آسیب‌های بسیاری را تحمل کرده‌اند. اما این اشتراکات نباید سبب شود خدماتی که از سوی دولت ما به اتباع داده می‌شود، علیه کشورمان به کار گرفته شود، از همین‌رو جای تأیفا است که پس از گذشت دهه‌های زیادی از بروز این معضل، دولت‌ها هنوز سازوکار‌های مشخصی را برای این آسیب به کار نگرفته‌اند. موضوع دیگر در این خصوص ناامن بودن مرزهای شرقی کشور است که در دهه‌های گذشته منجر به قاچاق مواد مخدر، ورود گروه‌های تروریستی و ورود اتباع غیرمجاز به کشور شده و هزینه‌های بسیاری را بر دوش جامعه گذاشته است، به‌طوری‌که اگر هزینه‌های ایجاد شده صرف این شدن مرزهای می‌شد، امکان بروز این گستره از آسیب ممکن نبود.

اتباع غیرمجاز مثل هر پدیده غیرمجاز و در هر کجای جهان که باشد با خود آسیب به دنبال دارد و آسیب‌هایی که از مجرای شکل‌گیری یک ملت غیرمجاز در جامعه به کشور وارد می‌شود، مشخص نیست دانشمان به چه

حوادثی منجر شود.